

(دخمه فردوسی)

(استمداد برای بنای آن)

سال هزار و سیصد و چهل و چهار هجری برای مملکت ایران
سال سعادت و میمنت است و همواره هر شاهدی را منتظر بودیم و
ونمی یافتیم در این سال از پرده خفا گوشه ابرو مینماید.

تعمیر دخمه بزرگان سخن و اساتید باستان و کسانی که ایران بنام
و آثار آنان زنده است از قبیل فردوسی نظامی سعدی.
برای ما آرزو بود و تصور نمی کردیم باین زودی کسی در این راه
سعادت قدمی بردارد.

اینک میبینیم که انجمنی بنام

(انجمن آثار ملی)

مرکب از بزرگان ذیل تاسیس یافته

۱ - میرزا غلامحسین فروغی ذکاءالملک

۲ - میرزا عبدالحسین تیمورتاش سردار معظم

۳ - نظام الدین حکمت مشارالدوله

۴ - میرزا ابراهیم خان حکیمی حکیم الملک

۵ - ارباب کیخسرو شاهرخ

۶ - میرزا حسنخان پیرنیا مشیرالدوله

۷ - فیروز میرزا (نصرت الدوله)

۸ - میرزا حسن مستوفی (مستوفی المعالک)

۹ - میرزا حسینخان علائی

و نخستین قدم سعادت را در راه بنای دخمه و کتیب فردوسی برداشته
اند و بیانیه ذیل از طرف آنان اشاعت یافته است. ما در این موضوع مقاله
مبسوطی در شماره آتی انتشار میدهیم و در این شماره فقط بنشر
بیانیه اکتفا میکنیم.

(استمداد انجمن آثار ملی برای بنای مقبره فردوسی)

بناهای آباد گردد خراب
ز باران و از تابش آفتاب
بی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند
بر این نامه بر عمرها بگذرد
بخواند هر آنکس که دارد دُخرد
از این پس نمیرم که بن زنده ام
که تخم سخن را برآکنده ام
احیاء آثار قدیم و تعظیم شعائر ملی و احترام آثار گدشتگان
از اصول مهم نهضت ملی و از فرائض قدیمه هر قوم متعبدن است هر
ملت که ادعای پیداری کند و احساسات ملی را دارا باشد
باید بزرگان تاریخی خود را فراموش نکند و نام و آثار آنها را پایدار
نگاه دارد .

خیلی جای تأسف و توبه است که نام و آثار بزرگان
ایران را چنانکه باید شناخته و آثار آنها را متروک و
مهجور گذاشته است .

فردوسی طوسی یکی از بزرگان نام دار و تاریخی ایرانست
که هیچکس از هیچ طبقه از بزرگان ایران از او بالاتر نیست بانی
آن کاخ بلند نایابدار است که یکی از بزرگان ملیت ما روی آن قرار
گرفته بدبختانه قدروی چنانکه شاید معلوم و قبرش معمور نیست
این مرد بزرگ که شایسته آن بود نه تنها بالای قبرش گنبد و
عمارت عالی ترین برپا کرد بلکه مدرسه ها و کتاب خانها کشتیها و
مجسمه ها با اسم او بنا نهاده شود اکنون قبرش متروک و مهجور است
بطوریکه اسباب سرافکندگی و شکست ما در مقابل اقوام دیگریکه او
را میشناختند میباشد .

اگر ملاحظه شود که ملل دیگر تا چه پایه در تعمیر قبور بزرگان
خود جهد نموده اند ملت ایران نیز در این مورد و در این زمینه احساسات
غیر تمدنانه خود را باید بروز بدهد فردوسی برای ایران همان مقام را

دارد که هومر شاعر بزرگ یونانی برای یونان قدیم شکسپیر برای انگلستان گوته برای آلمان ویکتور هوگو برای فرانسه یوشکین برای روسیه و امرؤالقیس و متنبی برای عرب . در روی قبر شکسپیر در انگلیس نه تنها بنای عالی برافراشته گردیده بلکه کتاب خانه روی قبر او بنا شده که تمام کتب را در هر زبان دنیا در باب شکسپیر و تمام ترجمه های تالیفات آن شاعر و طبع های مختلف آنها را حاوی است لکن در روی مدفن برافرازنده کاخ بلند ملیت ما بك سنك محقری هم موجود نیست بلکه آثار خود قبر نیز بکلی محو شده است وقت است که این غفلت دیرینه جبران گردد و همین امسال که نهمصد سال شمسی تمام از وفات آن سخن ور بزرگ میگذرد (نظر بروایتی که وفات او را در سنه ۱۹۶ هجری قمری ضبط میکنند) بنای شایسته بر روی مرقد این افتخار ایران بنا شود .

انجمن آثار ملی که مقصود عمل آن جمع و حفظ و احیاء آثار ملی قدیم است در صدد بر آمدن که بنای قبری شایسته روی همان نقطه از بطوس که آن شاعر بزرگ در باغ خود مدفون گردیده بر پا کند .

این اقدام مستحسن فقط بـمعاونت هموطنان باهمت در ایران و خارجه و دوستان زبان فارسی از هر قوم و ملت بعمل تواند آمد .
انجمن آثار ملی بوسیله این سطور عامه دوستان فردوسی را باشتراك در این عمل خیر دعوت میکند .

جمع اعانه برای این مشروع از اول مهزماه امسال ۱۳۰۴ هجری شروع و در آخر بهمن ماه ختم میشود .
مبلغ اعانه حد اقل و اکثر ندارد و هر کس بر حسب استطاعت خود میتواند کمک کند .

پس از انقضای مدت مزبور در فوق اسامی اعانه دهندگان

بوسیله جراید نشر خواهد شد و هر چه زود تر بکار بنای مقبره شروع خواهد گردید .

وجوه اعانه نزد تحویلدارانجمن آثار ملی آقای ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده محترم ملت در مجلس شورای ملی جمع خواهد شد و مراکز اخذوجه و اعطای قبض از قرار ذیل است :
 اداره مباحثت مجلس شورای ملی - تجارتخانه زر تشتیان در طهران سرای امیر - کتابخانه « طهران » در طهران خیابان لاله زار نمره ۱۳

رئیس انجمن آثار ملی فروغی محمد علی

سرگذشت اردشیر

افسانه دوم بقیه از شماره قبل

چمن پرور گمی سرخ و طربندک	بدامان دهن سر برزد از خاک
زیاران چمن الفت گسسته	باغیار دهن پیوند بسته
خلاف کابنان باغ و بستان	شمیمش آوت تن قتل جان
گیاه زهر آگین هم نشینش	بدامان جای داده پارگینش
زلاشه بر کنارش تل و کهسار	زستخوان بر کرانش سقف و دیوار
بجای بلبلان نغمه پرداز	بگردش خرمگس سر گرم آواز
از او پروانه شیدا رمیده	جعل پیرانش صف بر کشیده
فرودش لانه بسته عقرب و مور	فرازش بال و پر بکشوده زنبور



قضا را بلبلای با مستی انباز	عشق گل گشوده بال پرواز
در آن گل باز دید از چشم مستی	نکونسار آمد از بالا بیستی
نگاه اولین بردش دل از دست	فرود آمد فراز شاخ بنشست